

تأثیر معرفگی بر نشانه مفعولی در زبان‌های تاتی، تالشی و بلوچی

محمد راسخ‌مهند^{۱*}، راحله ایزدی‌فر^۲

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۹

دریافت: ۸۹/۹/۲۳

چکیده

برخی از زبان‌ها که نظام حالت‌نمایی آشکار مفعول‌های مستقیم دارند، همه مفعول‌ها را به شیوه یکسان نشان نمی‌دهند و تنها حالت زیرمجموعه‌ای از مفعول‌های خود را بسته به ویژگی‌های معنایی و کاربردی آن نشان می‌دهند؛ این پدیده، مفعول‌نمایی افتراقی نامیده می‌شود. ویژگی‌های مرتبط با مفعول‌نمایی افتراقی شامل جاننداری و معرفگی مفعول‌های مستقیم است. در این مقاله مفعول‌نمایی افتراقی در سه زبان ایرانی نو شمال غربی، یعنی تاتی، تالشی و بلوچی بررسی شده و از تحلیل آیسین (۲۰۰۳) از مفعول‌نمایی افتراقی بر اساس نظریه بهینگی و برمبنای دو پیوستار جاننداری و معرفگی برای بررسی نظام حالت‌نمایی در این سه زبان استفاده شده و استدلال شده که در هر سه زبان مفعول‌نمایی افتراقی وجود دارد و نقطه برش در امتداد دو پیوستار معرفگی و جاننداری در آن‌ها نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: مفعول مستقیم، جاننداری، معرفگی، مفعول‌نمایی افتراقی.

فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی
د. ۲، ن. ۱، بهار ۱۳۹۰

Email: rasekh@basu.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: همدان، دانشگاه بوعلی‌سینا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان‌شناسی، صندوق پستی: ۶۵۱۷۸۳۸۶۹۵.



۱. مقدمه

در زبان‌هایی که از نشانه مفعولی استفاده می‌کنند، یکسانی وجود ندارد، گاهی اوقات مفعول نشانه دارد و گاهی اوقات مفعول بدون نشانه ظاهر می‌شود؛ این پدیده را «مفعول‌نمایی افتراقی» می‌نامند. در این مقاله، به بررسی مفعول‌نمایی افتراقی در سه زبان تاتی، تالشی و بلوچی می‌پردازیم و ویژگی‌های آن را در این سه زبان بررسی می‌کنیم.

سؤال موردبحث در این مقاله این است که چه رابطه‌ای بین مفعول‌نمایی افتراقی و جاننداری و معرفگی مفعول‌ها در سه زبان موردبررسی وجود دارد. فرض بر این است که بین دو پیوستار جاننداری و معرفگی از یکسو و نشانه مفعولی از سوی دیگر ارتباط معناداری وجود دارد. چارچوب مورد استفاده در این پژوهش، رویکرد آیسن (۲۰۰۳) است که از نظریه بهینگی در انطباق انگیزه‌های زیرساختی دستور زایشی برای مدل‌سازی نحو با مفهوم مفعول‌نمایی افتراقی بر اساس مقیاس‌های برجستگی استفاده می‌کند.

روش پژوهش و گردآوری داده‌ها، استفاده از گویشوران این سه زبان است و علاوه بر آن از منابع کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است.

در بخش ۲ پدیده مفعول‌نمایی افتراقی معرفی خواهد شد و مروری بر الگوهای ارائه شده برای توضیح مفعول‌نمایی افتراقی در میان زبان‌ها شده است. در بخش ۳، مفعول‌نمایی افتراقی در سه زبان ایرانی نو شمال غربی، طبق ویژگی‌های معنایی و دو پیوستار جاننداری و معرفگی و نیز برجستگی معنایی بررسی شده است و در بخش ۴ نتیجه‌گیری مباحث مقاله ارائه شده است.

۲. مفعول‌نمایی افتراقی

زبان‌های مختلف با استفاده از سه شیوه رابطه فاعل و مفعول با فعل را نشان می‌دهند. در برخی زبان‌ها توالی کلمات مشخص می‌کند که موضوعی فاعل است یا مفعول است؛ برای مثال، تنها از توالی کلمات جمله زیر از زبان انگلیسی می‌توان دریافت که Jack فاعل و Mary مفعول است (راسخ‌مهند، ۱۳۸۵: ۸۵).

۱. Jack saw Mary

برخی از زبان‌ها هسته جمله یعنی فعل را نشاندار می‌کنند، یعنی از نظام مطابقه استفاده می‌کنند. زبان‌هایی نیز از شیوه سوم که نشان‌دادن حالت یا حالت‌نمایی^۱ است استفاده می‌کنند و نشانه‌ای به فاعل یا مفعول اضافه می‌کنند؛ برای مثال، در نظام حالت‌نمایی فارسی، تنها حالت مفعولی با نشانه «را» نشان داده می‌شود و حالت فاعلی به صورت بی‌نشان باقی می‌ماند (همان: ۹۰).

در برخی زبان‌ها یک نشانه مفعولی برای نشان‌دادن نقش مفعول مستقیم به کار می‌رود؛ در زبان مجاری پسوند *-t* نشانه مفعول مستقیم است و این نشانه به تمام مفعول‌های مستقیم اضافه می‌شود. در برخی زبان‌ها همچون زبان لیسو^۲ هیچ نشانه‌ای برای مفعول به کار نمی‌رود و برخی زبان‌ها مانند زبان عبری نیز بین این دو دسته قرار دارند و تنها برخی مفعول‌ها در این زبان‌ها نشانه می‌گیرند و برخی دیگر بدون نشانه مفعولی هستند. برخی زبان‌های دارای نظام حالت‌نمایی آشکار مفعول‌های مستقیم، همه مفعول‌ها را به شیوه یکسان نشان‌دار نمی‌کنند. این زبان‌ها تنها حالت زیرمجموعه‌ای از مفعول‌های خود را بسته به ویژگی‌های معنایی و کاربردی آن‌ها نشان می‌دهند؛ این پدیده مفعول‌نمایی افتراقی نامیده می‌شود و در دست‌کم سیصد زبان دنیا وجود دارد. بررسی‌های مختلف رده شناختی منجر به یافتن برخی همگانی‌ها در مفعول‌نمایی افتراقی شده است (Bossong, 1985).

قاعده همگانی که در مورد مفعول‌نمایی افتراقی بیان شده این است که هرچه مفعول مستقیم برجسته‌تر باشد، احتمال وقوع نشانه مفعولی با آن بیشتر است (Comrie, 1989: 128). برجستگی بر اساس دو پیوستار^۳: جاننداری و معرفگی تعریف شده است. در جمله ۲- الف پیوستار جاننداری و در ۲- ب پیوستار معرفگی نشان داده شده است که بر اساس این دو پیوستار، برجستگی از راست به چپ در این دو پیوستار بیشتر است. در پیوستار ۲- الف برجستگی مفعول انسان بیشتر از برجستگی مفعول جاندار غیرانسان است و برجستگی مفعول جاندار^۴ بیشتر از برجستگی مفعول بی‌جان^۵ است. در پیوستار ۲- ب نیز برجستگی مفعول ضمیر شخصی بیشتر از برجستگی مفعول اسم خاص است و این برجستگی به همین ترتیب تا انتهای پیوستار وجود دارد.

1. case-marking
2. lisu
3. scale
4. animate
5. inanimate

انسان < جاندار غیرانسان > بی‌جان

۲. الف پیوستار جاننداری

ضمیر شخصی < اسم خاص > اسم معرفه < اسم نکره مشخص > اسم غیر مشخص (Aissen, 2003).

۲. ب پیوستار معرفگی

کامری احتمال اشتباه‌گرفتن فاعل و مفعول فعل متعدی را مبنای به‌کار بردن نشانه حالت با این اسم‌ها می‌داند که بر این اساس در طبیعی‌ترین نوع ساخت متعدی، فاعل، دارای جاننداری و معرفگی بالا و مفعول دارای جاننداری و معرفگی پایین بوده و هرگونه انحراف از این الگو منجر به ساخت نشاندارتر می‌شود (Comrie, 1989: 130).

وی بین دو مفهوم نشاننداری این‌گونه تمایز قائل می‌شود: نشاننداری معنایی بر اساس ویژگی‌های معنایی هم‌چون جاننداری و معرفگی است و نشاننداری صرفی با نشانه صرفی بر اجزای زبان‌شناختی نمود می‌یابد. بر این اساس رابطه‌ای بین نشاننداری معنایی و صرفی وجود دارد و اگر اجزایی به لحاظ معنایی نشاندار باشند، به لحاظ صرفی نیز نشاندار خواهند بود.

قاعده همگانی که در مورد مفعول‌نمایی افتراقی بیان شده به صورت زیر است:

۲. هرچه برجستگی مفعول مستقیم بیشتر باشد، به احتمال بیشتری نشانه حالت خواهد گرفت (Aissen, 2003: 453).

برجستگی بر اساس دو پیوستار جاننداری و معرفگی تعریف شده است. بر اساس این دو پیوستار و تعریف برجستگی، اگر در زبانی مفعول مستقیم در مرتبه‌ای بتواند نشانه حالت بگیرد، مفعول‌های مستقیم مرتبه بالاتر نیز در آن زبان نشانه حالت می‌گیرند، اما این لزوماً در مورد مفعول‌های مرتبه پایین‌تر صدق نمی‌کند (Ibid).

آیسن (Aissen, 2003: 455) نظریه بهینگی^۱ را شیوه‌ای مناسب برای انطباق انگیزه‌های زیرساختی دستور زایشی برای مدلسازی نحو با مفهوم مفعول‌نمایی افتراقی بر اساس

1. optimality theory

مقیاس‌های برجستگی می‌داند. وی رویکردی نقشی- رده‌شناختی از مفعول‌نمایی افتراقی به دست می‌دهد که تفاوت‌های خاص زبانی را نیز در برمی‌گیرد. در نظریهٔ بهینگی، محدودیت‌ها همگانی اما قابل‌نقض هستند و در آن انطباق هماهنگ^۱، ابزار لازم برای حصول محدودیت‌هایی است که نشاننداری معکوس را بیان می‌کنند.

از انطباق هماهنگ می‌توان برای توصیف همگانی‌های زبانی مسبب مفعول‌نمایی افتراقی استفاده کرد که در حوزهٔ آن، مقیاس‌هایی که انطباق می‌یابند، عبارت‌اند از مقیاس‌های جاننداری و معرفگی که در دو پیوستار گذشته (الف و ب) نشان داده شده‌اند و مقیاس نقش‌های دستوری (پیوستار رابطه) که در (ع) آورده شده است:

فاعل < مفعول (Ibid: 457)

پیوستار ۴ پیوستار رابطه

بر اساس پیوستار رابطه که از راست به چپ خوانده می‌شود، در میان زبان‌های جهان گرایش به این است که فاعل‌ها اکثراً معرفه، جاندار و مبتدا هستند و مفعول‌های مستقیم بیشتر نکره، غیرجاندار و در بخش خبر هستند؛ بنابراین، جاننداری و معرفگی از ویژگی‌های بی‌نشان فاعل‌ها هستند، اما این ویژگی‌ها برای مفعول‌ها نشاندار محسوب می‌شوند. اگر مفعول پیوستار رابطه در پیوستار جاننداری قرار گیرد، الگوی بی‌نشان زیر در مورد مفعول‌ها حاصل می‌شود:

مفعول بی‌جان < مفعول جاندار غیرانسان < مفعول انسان (Ibid:457)

پیوستار ۵

1. harmonic alignment

بر اساس پیوستار بالا نشاننداری مفعول‌ها از راست به چپ این پیوستار افزایش می‌یابد. مفعول بی‌جان بی‌نشان‌ترین حالت است، نشاننداری مفعول جاندار غیرانسان بیشتر از نشاننداری مفعول بی‌جان است و مفعول انسان بیشترین نشاننداری را دارد. با معکوس‌کردن مراتب و بیان آن‌ها به عنوان اجزاء محدودیت‌های اجتناب می‌توان از پیوستار نشاننداری در قالب پیوستار محدودیت‌ها در چارچوب نظریه بهینگی استفاده کرد و پیوستار ۵ را به دست داد:

* مفعول انسان « * مفعول جاندار غیرانسان « * مفعول بی‌جان (Ibid)

پیوستار ۶

در پیوستار بالا که در چارچوب نظریه بهینگی است، نشانه * به معنی محدودیت است و نشانه « نشان می‌دهد که در میان زبان‌های جهان، مفعول انسان نشاندارتر از مفعول جاندار غیرانسان است و مفعول جاندار غیرانسان نیز نشاندارتر است از مفعول بی‌جان؛ در نتیجه محدودیت‌هایی بر مفعول‌های دارای نشاننداری بیشتر اعمال می‌شود و اگر قرار باشد در زبانی از مفعول به خاطر جاننداری-اش اجتناب شود، از مفعول انسان بیشتر از مفعول جاندار غیرانسان اجتناب می‌شود و این اجتناب تا انتهای طیف از مفعول‌های دارای جاننداری بیشتر ادامه می‌یابد. زبان‌های جهان از نشانه مفعولی برای نشان دادن اجتناب از مفعول دارای نشاننداری بیشتر استفاده می‌کنند. پیوستار محدودیت‌ها پایه محدودیت‌های اصلی توصیف مفعول‌نمایی بر اساس جاننداری است. از قراردادن مفعول پیوستار رابطه در پیوستار معرفگی، پیوستار زیر حاصل می‌شود:

مفعول اسم غیرمشخص < مفعول اسم مشخص < مفعول اسم معرفه < مفعول اسم خاص < مفعول ضمیر (Ibid:459)

پیوستار ۷

بر اساس پیوستار بالا، نشاننداری مفعول در امتداد پیوستار معرفگی از راست به چپ افزایش می‌یابد. مفعول اسم غیرمشخص، بی‌نشان‌ترین حالت برای مفعول در این پیوستار است و نشاننداری مفعول اسم مشخص بیشتر است از نشاننداری مفعول اسم غیرمشخص و این نشاننداری تا انتهای پیوستار افزایش می‌یابد و مفعول ضمیر، دارای بیشترین نشاننداری است. محدودیت‌های زیر با معکوس کردن رتبه‌ها و تلقی اجزای پیوستار معرفگی به عنوان محدودیت‌های اجتنابی به دست می‌آید:

مفعول ضمیر *مفعول اسم خاص* *مفعول معرفه* *مفعول مشخص* *مفعول غیرمشخص (Ibid)

پیوستار ۸

در پیوستار بالا نیز که در چارچوب نظریه بهینگی آورده شده است، نشانه * به معنی محدودیت است و « نشان می‌دهد که در میان زبان‌های جهان، مفعول ضمیر نشاندارتر از مفعول اسم خاص است که خود نشاندارتر از مفعول معرفه است و این نشاننداری تا انتهای پیوستار ادامه می‌یابد. در نتیجه محدودیت‌هایی بر مفعول‌های دارای نشاننداری بیشتر اعمال می‌شود و اگر قرار باشد در زبانی از مفعول به دلیل معرفگی اش اجتناب شود، از مفعول ضمیر بیشتر از مفعول اسم خاص اجتناب می‌شود و این اجتناب تا انتهای طیف از مفعول‌های دارای معرفگی بیشتر ادامه می‌یابد. زبان‌های جهان از نشانه مفعولی برای نشان دادن اجتناب از مفعول دارای نشاننداری بیشتر بر اساس پیوستار معرفگی استفاده می‌کنند.

در این بخش مفعول‌نمایی افتراقی معرفی شد و مروری بر الگوهای ارائه شده برای توضیح مفعول‌نمایی افتراقی در میان زبان‌ها شد که مهم‌ترین آن‌ها (Aissen, 2003) است. در ادامه، مفعول‌نمایی افتراقی در سه زبان ایرانی نو شمال غربی، طبق ویژگی‌های معنایی و دو پیوستار جاننداری و معرفگی و نیز برجستگی معنایی بررسی شده است.



۳. مفعول‌نمایی افتراقی در تاتی، تالشی و بلوچی

در این بخش به بررسی مفعول‌نمایی افتراقی در سه زبان ایرانی نو شمال غربی، یعنی تاتی، تالشی و بلوچی می‌پردازیم. همه مثال‌های مذکور در این مقاله حاصل مصاحبه با گویشوران زبان‌های مذکور است و در مواردی که مثال از منبعی خاص گرفته شده، آن منبع ذکر شده است.

۳-۱. نشان‌دادن مفعول در تاتی

زبان تاتی از زبان‌های ایرانی و از شاخه زبان‌های آریایی (هندواروپایی) است. گویش تاتی تاجکستان که خود لهجه‌های متعددی چون اشتهاردی، رامندی، چالی یا شالی دارد، از گروه شمالی زبان‌های غربی ایران است. گویش‌های تاتی را به پنج گروه تقسیم می‌کنند که چالی جزء گروهی است که در جنوب غربی قزوین و اشتهارد واقع شده‌اند. از ویژگی‌های عمومی گویش‌های تاتی می‌توان به نشان‌دادن جنس مؤنث در اسم‌ها، ضمائر و افعال و کاربرد حرف اضافه پسین اشاره کرد. در چالی، اسم‌ها به دو گروه مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند. مقوله شمار در این گویش شامل شمار مفرد و جمع است و نظام حالت‌نمایی شامل دو حالت مستقیم یا فاعلی^۱ و غیرفاعلی^۲ می‌شود (Yar-Shater, 1969: 18).

در چالی در صورتی که مفعول مستقیم فعل، معرفه مفرد باشد، با توجه به حالت خود به چندصورت ظاهر می‌شود. عوامل اصلی تعیین‌کننده این تفاوت‌ها بی‌جان، جاندار یا انسان بودن مفعول در امتداد پیوستار جاندار است. لازم به ذکر است که مثال‌ها به نحوی انتخاب شده‌اند که در آن‌ها مفعول مستقیم فعل با صفت یا ساخت اضافی تعریف نشده است. اگر مفعول مستقیم معرفه انسان باشد، با حالت غیرفاعلی و با -e نشان داده می‌شود.

۹. علی احمد را می‌کشد.

۹	<i>ali</i> Ali NOM	<i>ahmad-e</i> Ahmad-ACC	<i>mikeše</i> kill-PRES
---	-----------------------	-----------------------------	----------------------------

اگر مفعول مستقیم حیوان باشد، عموماً با حالت غیرفاعلی و با -e نشان داده می‌شود.

1. direct
2. oblique

۱۰. علی گاوی را زد.

۱۰	<i>ali</i>	<i>gav-e</i>	<i>bezand</i>
	Ali:Nom	cow-ACC	hit-PAST

اگر مفعول مستقیم معرفه بی‌جان باشد، در صورتی که با کلمه مجاورش هم‌چون صفت ملکی یا ساخت اضافی تعریف نشده باشد، معمولاً با حالت غیرفاعلی و با *-e* نشان داده می‌شود.

۱۱. پول را پنهان کن.

۱۱	<i>pul-e</i>	<i>jaru-diar</i>
	money-ACC	hide

در پیوستار جاننداری، همه مفعول‌های مستقیم چالی با حالت غیرفاعلی نشانه حالت می‌گیرند. حالت غیرفاعلی مفرد برای اسم‌های اشاره به روابط خانوادگی (مادر، پدر، خواهر و ...) با افزودن *-r* به صورت غیرتصریفی‌شان ساخته می‌شود و در صورتی که اسم مختوم به همخوان باشد، *-ar* تکیه‌بر اضافه خواهد شد؛ برای مثال:

۱۲ الف. پدرم آمد.

۱۲ a) Direct	<i>pio-m</i>	<i>bōma</i>
	father-my	came

۱۲ ب. علی پدرش را دوست دارد.

۱۲ b) Oblique	<i>ali piy-ar-eš</i>	<i>dust dire</i>
	Ali father-ACC-his	love have

کاربرد حالت غیرفاعلی همراه با *-r* در چالی گسترش یافته و در شرایط خاصی شامل حالت غیرفاعلی مفرد اسم‌های اشاره به انسان نیز می‌شود (Ibid: 87).

13. *je dohe varziar-ar amsāla bār nārd*

کشاورز(ان) این روستا امسال هیچ محصولی کشت نکرد(ند).

حالت‌نمایی با نشانه *-ar* در چالی بنابر پیوستار جاننداری تعریف می‌شود و نقطه برش

حالت‌نمایی در این پیوستار در چالی اسم‌های انسان در مقابل اسم‌های جانداران و بی‌جانان است که اسم‌های اشاره به انسان به غیر از اسم‌های خاص، نشانه حالت -ar/r- را دریافت می‌کنند اما اسم‌های اشاره به جانداران غیر از انسان و بی‌جانان، نشانه -ar/r- را دریافت نمی‌کنند. در جدول ۱ برش به‌وجود آمده در پیوستار جاننداری برای مفعول‌نمایی افتراقی در چالی نشان داده شده است.

جدول ۱ مفعول‌نمایی افتراقی براساس پیوستار جاننداری در چالی

مفعول انسان
مفعول جاندار
مفعول بی‌جان

ضمایر چالی شامل ضمایر فاعلی و غیرفاعلی هستند ضمایر که در جایگاه مفعولی حالتی متفاوت با ضمایر فاعلی دارند و حالت غیرفاعلی ضمایر به صورت بی‌قاعده نشان داده می‌شود.

۱۴ الف. آن‌ها من را می‌بینند.

۱۴ a)	<i>ay</i> 3PL:NOM	<i>čemen</i> 1sg:ACC	<i>minend</i> see:3PI Pres
-------	----------------------	-------------------------	-------------------------------

۱۴ ب. من آن‌ها را می‌بینم.

۱۴ b)	<i>az</i> 1sg:NOM	<i>ayo</i> 3PL:ACC	<i>minem</i> see:3PI Pres
-------	----------------------	-----------------------	------------------------------

در حالت غیرفاعلی، به اسم‌های خاص مفرد مذکر در چالی نشانه حالت غیرفاعلی -e- اضافه می‌شود، اما اسم‌های مؤنث در حالت غیرفاعلی دارای همان پایانه -a- هستند که در حالت فاعلی نیز به آن‌ها اضافه می‌شود.

۱۵ الف. علی احمد را می‌کشد.

۱۵ a)	<i>ali</i> Ali:NOM	<i>ahmad-e</i> Ahmad-ACC	<i>mikeše</i> kill:3SG Pres
-------	-----------------------	-----------------------------	--------------------------------

۱۵ ب. علی مریم را می‌کشد.

۱۵ b)	<i>ali</i>	<i>maryam-a</i>	<i>mikeše</i>
	Ali:NOM	Maryam-FEM	kill:3SG Pres.

اسم مفرد معرفه در چالی با حالت غیرفاعلی نشان داده می‌شود (Ibid:98).

۱۶. در را بشکن.

۱۶	<i>bar-e</i>	<i>beškenj</i>
	door:ACC	break

به اسم جمع در حالت غیرفاعلی (n) -ō - تکیه بر اضافه می‌شود.

۱۷. علی گاوها را دوست دارد.

۱۷	<i>Ali</i>	<i>gav ō(n)</i>	<i>dust</i>	<i>dire</i>
	Ali-NOM	cow-ACC	love	have-PRES

مفعول نکره مفرد با حالت فاعلی نشان داده می‌شود. برای معرفه کردن یک مفعول حالت فاعلی جای خود را به حالت غیرفاعلی می‌دهد. حالت فاعلی زمانی اعمال می‌شود که الف مفعول مستقیم نکره باشد و ب مفعول مستقیم بی‌جان با صفت ملکی تعریف شده باشد (Ibid:98). مثال زیر از یارشاطر (Ibid) است:

۱۸ الف. به گوسفندها علف بده.

۱۸ a)	<i>alaf</i>	<i>undi čuārē</i>
	grass:INDEF	give sheep

۱۸ ب. آن علف را به گوسفندها بده.

۱۸ b)	<i>alafe</i>	<i>undi čuārē</i>
	grass: DEF:ACC	give sheep

با توجه به پیوستار معرفگی دیدگاه آيسن (Aissen, 2003) در مورد مفعول‌نمایی افتراقی، در زبان چالی اسم‌های معرفه نشانه حالت غیرفاعلی می‌گیرند و تنها اسم‌های نکره هستند که



در این زبان بدون نشانه باقی می‌مانند. پیش‌بینی آیسن (Ibid) در مورد زبان‌های دارای مفعول‌نمایی افتراقی در چالی صحیح است؛ بنابراین پیش‌بینی، اگر زبانی حالت مفعولی را نشان دهد، حالت مفعول‌های معرفه را نشان خواهد داد. جدول ۲ مفعول‌نمایی افتراقی در زبان چالی بر اساس پیوستار معرفگی را نشان می‌دهد. اسم‌های واقع در بالای خط، در نقش مفعولی نشانه‌ی حالت دریافت می‌کنند و اسم‌های واقع در زیر آن، در نقش مفعولی بدون نشانه حالت هستند.

جدول ۲ مفعول‌نمایی افتراقی بر اساس پیوستار معرفگی در چالی

مفعول ضمیر شخصی مفعول اسم خاص مفعول معرفه
مفعول نکره مشخص مفعول نکره غیرمشخص

۲-۳. نشان دادن مفعول در زبان تالشی

تالشی زبانی متعلق به دسته شمال غربی زبان‌های ایرانی نو غربی است که در امتداد سواحل دریای خزر و در مناطق کوهستانی منتهی به کناره‌های دریا در ایران و جمهوری آذربایجان به آن تکلم می‌شود (رضایتی، ۱۳۸۶). در ادامه مفعول‌نمایی افتراقی را در زبان تالشی بررسی می‌کنیم. داده‌های اصلی مورد استفاده در این بخش حاصل مصاحبه با یک گویشور ساکن شهرستان تالش است و از پایان‌نامه نغزگوی‌کهن (۱۳۷۳) نیز استفاده شده است. در تالشی اگر مفعول مستقیم انسان باشد، نشانه‌ی حالت غیرفاعلی *i*- می‌گیرد.

۱۹. علی احمد را می‌کشد.

۱۹	<i>ali</i> Ali:NOM	<i>ahmad-i</i> Ahmad-ACC	<i>. keše</i> kills
----	-----------------------	-----------------------------	------------------------

اگر مفعول جاندار، مفرد و مختوم به همخوان باشد، نشانه‌ی حالت غیرفاعلی *i*- دریافت می‌کند.

۲۰. گرگ گوسفند را درید.

۲۰	<i>hašrāt-i</i>	<i>gusand-i</i>	<i>pala</i>	<i>kardeša</i>
	wolf-ERG	sheep-ACC	tore	down

اگر مفعول جاندار، مفرد و مختوم به واکه باشد، بدون نشانه می‌آید.

۲۱. علی گربه را کشت.

۲۱	<i>ali</i>	<i>peču</i>	<i>kešta</i>
	Ali:NOM	cat:OBJ	killed

چنانچه مفعول جاندار و جمع باشد، باننشانه حالت غیرفاعلی -un یا -ān نشان داده می‌شود.

۲۲ الف. رمه‌ها را بیاور.

۲۲ a)	<i>ram-ān</i>	<i>buwara</i>
	sheep-PL:ACC	bring

۲۲ ب. رمه‌ها اینجا هستند.

۲۲ b)	<i>ram-en</i>	<i>yā</i>	<i>mandina</i>
	sheep-PL:NOM	here	are

در مثال بالا از نغزگوی کهن (۱۳۷۳)، در جمله **a** «رمه‌ها» در نقش مفعولی با نشانه جمع -ān همراه است و در جمله **b** نشانه جمع «رمه‌ها» در نقش فاعلی، نشانه -en است. اگر مفعول بی‌جان و مفرد باشد، نشانه حالت غیرفاعلی -i به آن اضافه می‌شود.

۲۳. علی کتاب را می‌خرد.

۲۳	<i>ali</i>	<i>ketāb-i</i>	<i>Xere</i>
	Ali-NOM	book-ACC	buys

اگر مفعول بی‌جان و جمع باشد، نشانه حالت غیرفاعلی -un به آن اضافه می‌شود.



۲۴. چراغ‌ها را خاموش کن.

۲۴	<i>čerav-un</i>	<i>dakaš</i>
	light-PL:ACC	turn off

مفعول مستقیم در تالشی در پیوستار جاننداری همواره با حالت غیرفاعلی نشان داده می‌شود و این نشانه با توجه به مفرد یا جمع بودن اسم و نیز مختوم بودن آن به همخوان یا واکه متفاوت می‌باشد. ضمایر، دارای دو حالت فاعلی و غیرفاعلی هستند که ضمایر فاعلی در نقش فاعل هستند: ضمایر غیرفاعلی در نقش مفعول مستقیم یا غیرمستقیم فعل به کار می‌روند.

۲۵. آن‌ها ما را می‌بینند.

۲۵	<i>aven</i>	<i>ama</i>	<i>vinda</i>
	3PL:NOM	1PL:ACC	see

اسم خاص مذکر و مؤنث در نقش مفعولی نشانه حالت غیرفاعلی *i*- دریافت می‌کند.

۲۶. علی مریم را کشت.

۲۶	<i>ali</i>	<i>maryam-i</i>	<i>kešta</i>
	Ali:ERG	Maryam-ACC	killed

اسم معرفه مفرد در نقش مفعولی چنانچه مختوم به همخوان باشد، نشانه حالت غیرفاعلی *i*- دریافت می‌کند، اگر مختوم به برخی واکه‌ها همچون *a* باشد، *y* قبل از آن می‌آید و چنانچه هم‌چون *peču* (گربه) مختوم به برخی واکه‌ها باشد، نشانه حالت به آن اضافه نمی‌شود و بدون تغییر باقی می‌ماند.

۲۷ الف. علی کتاب را خرید.

۲۷ a)	<i>ali</i>	<i>i-ketab</i>	<i>xeriya</i>
	Ali:ERG	book-ACC	bought

۲۷ ب. علی پسر را کشت.

۲۷ b)	<i>ali</i>	<i>zua-y</i>	<i>kešta</i>
	Ali:ERG	boy-ACC	killed

پسوند جمع با اسم‌هایی که نقش مفعولی دارند -un است.

۲۸. این قلم‌ها را بشمارید.

۲۸	<i>am</i>	<i>Galam-un</i>	<i>bišmār.</i>
	these	pen-PL:ACC	count

اسم نکره مشخص و غیرمشخص در نقش مفعولی بدون نشانه حالت است و در اکثر قریب به اتفاق موارد، با حرف نشانه پیشین *igla* به معنی یک همراه است که آن را نکره می‌کند.

۲۹. علی یک کتاب خرید.

۲۹	<i>ali</i>	<i>igla</i>	<i>ketab</i>	<i>xeriya</i>
	Ali:ERG	one	book	bought

۳۰. پسری را کشت.

۳۰	<i>ali</i>	<i>igla</i>	<i>zua</i>	<i>kešta</i>
	Ali:ERG	one	boy	killed

در زبان تالشی اسم‌هایی که نشانه حالت غیرفاعلی دریافت می‌کنند، شامل مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم و فاعل فعل زمان گذشته، یعنی حالت کنایی می‌شوند اما این نشانه غیرفاعلی با همه اسم‌های مفعولی همراه نیست و در تالشی مفعول‌نمایی افتراقی وجود دارد. بنا به پیوستار جاننداری، تمام مفعول‌ها در تالشی نشانه حالت دریافت می‌کنند، اما طبق پیوستار معرفگی، تنها ضمائر شخصی، اسم‌های خاص و اسم‌های معرفه تالشی نشانه حالت غیرفاعلی دریافت می‌کنند و اسم‌های نکره بدون نشانه هستند. نقطه برش در این پیوستار در جدول ۳ نشان داده شده است که بر این اساس اسم‌های مفعول واقع در بالای خط، نشانه حالت دریافت می‌کنند و اسم‌های مفعول زیر این خط، نشانه حالت نمی‌گیرند.

جدول ۳ مفعول‌نمایی افتراقی بر اساس پیوستار معرفتی در تالشی

مفعول ضمیر شخصی مفعول اسم خاص مفعول معرفه
مفعول نکره مشخص مفعول نکره غیرمشخص

دیدگاه آیسن در مورد نشانه غیرفاعلی منطبق بر زبان تالشی، در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد و در این زبان تنها مفعول‌های معرفه نشانه حالت دریافت می‌کنند.

۳-۳. نشان‌دادن مفعول در زبان بلوچی

بلوچی یکی از زبان‌های هندواروپایی از شاخه ایرانی نو شمال غربی است. گویش بلوچی مورد بررسی در این مقاله، بلوچی منطقه خاش در بلوچستان ایران است. این شهر تقریباً در ۱۵۰ کیلومتری جنوب زاهدان قرار دارد و تأثیرات ایجادشده از تماس زبانی، به‌ویژه با زبان فارسی، در آن کمتر از گویش بلوچی زاهدان است.

از نظر حالت در بلوچی اسم شکل‌های متمایز فاعلی و غیرفاعلی یا مفعولی دارد. اسم مفرد در حالت فاعلی نشانه صوری ندارد و در حالت مفعولی با نشانه حالت *ā* در انتهای اسم همراه است و ضمائر فاعلی و مفعولی نیز دارای صورت متمایز هستند. تلفظ پسوند مفعولی به لحاظ مکان جغرافیایی *ā* یا *a* است؛ برای گویشوران زاهدان و خاش *ā* و برای گویشوران سراوان *a* کوتاه می‌باشد (Jahani 2003). برای تأکید بر مفعول پسوند *-rā* آزادانه به حالت غیرفاعلی افزوده می‌شود.

۳۱. فاطمه لباس‌ها را شست.

۳۱	<i>pāti</i>	<i>počč-ān-a</i>	<i>šošt-Ø</i>
	Fatemeh:NOM	cloth-PL-ACC	washed-3sg.

در بلوچی اگر مفعول مستقیم انسان باشد، نشانه حالت مفعولی \bar{a} - دریافت می‌کند.

۳۲. او حسن را صدا کرد.

۳۲	<i>āī</i>	<i>hasan-ā</i>	<i>tavarko-∅</i>
	3SG:NOM	Hasan-ACC	called-3sg.

اگر مفعول جاندار مفرد یا جمع معرفه باشد، نشانه حالت مفعولی \bar{a} - دریافت می‌کند.

۳۳ الف. مریم گاو را دوشید.

۳۳ a)	<i>maryam</i>	<i>goek-ā</i>	<i>došt-∅</i>
	Maram:NOM	cow-ACC	milked-3sg.

۳۳ ب. گوسفندها را بیاور!

۳۳ b)	<i>pas-ān-ā</i>	<i>biyar</i>
	sheep-PL-ACC	bring

اگر اسم مفعول بی‌جان و معرفه باشد، نشانه مفعولی \bar{a} - می‌گیرد.

۳۴. کتاب‌ها را به من بده!

۳۴	<i>ketāb-ān-ā</i>	<i>menā</i>	<i>bede</i>
	book-PL-ACC	1SG:DAT	give

مفعول مستقیم در بلوچی خاش در پیوستار جاندار همواره نشانه حالت مفعولی می‌گیرد.

اسم خاص در جایگاه مفعولی با نشانه حالت مفعولی \bar{a} - نشان داده می‌شود.

۳۵. حسن را دیدم.

۳۵	<i>hasan-ā</i>	<i>dist-on</i>
	Hasan-ACC	saw-I:1sg.



ضمایر شخصی بلوچی در چهار حالت فاعلی، اضافی، مفعولی (رایسی / برایسی) و غیرفاعلی صرف می‌شوند. ضمایر بلوچی در نقش مفعولی با حالت مفعولی و با پسوند \bar{a} / $r\bar{a}$ نشان داده می‌شوند (Korn, 2008).

۳۶ الف. من او را به خدا سپردم.

۳۶ a)	<i>man</i>	<i>āi-rā</i>	<i>be</i>	<i>xodā</i>	<i>sepāret-on</i>
	1SG:NOM	3SG-ACC	to	God	gave-1sg.

اسم معرفه در نقش مفعولی در بلوچی نشانه حالت مفعولی \bar{a} می‌گیرد.

۳۶ b)	<i>āi</i>	<i>kāsag-ā</i>	<i>be</i>	<i>man</i>	<i>dāt</i>
	3SG:NOM	bowl-ACC	to	1SG:DAT	returned

۳۷ الف. او کاسه را به من برگرداند.

۳۷ a)	<i>āi</i>	<i>kāsag-ā</i>	<i>be man</i>	<i>dāt</i>
	3SG:NOM	bowl-ACC	to 1SG:DAT	returned

۳۷ ب. من گوسفندها را از او می‌گیرم.

۳۷ b)	<i>man</i>	<i>pas-ān-ā</i>	<i>ša</i>	<i>āi</i>	<i>gir-in</i>
	1SG:NOM	sheep-PL-ACC	from	3SG:DAT	get-1sg.

اسم نکره در نقش مفعولی در بلوچی بدون نشانه حالت است. اسم نکره با نشانه \bar{i} در انتهای اسم همراه است و گاهی نیز همراه با حرف نشانه پیشین *yak* به معنی یک است که آن را نکره می‌کند.

۳۸ الف. علی کتابی خرید.

۳۸ a)	<i>ali</i>	<i>ketāb-i</i>	<i>gept</i>
	Ali:NOM	book-INDEF	bought

۳۸ ب. او می‌خواهد یک کتاب بنویسد.

۳۸ a)	<i>ā</i> 3SG:NOM	<i>luerti</i> want	<i>yak</i> one	<i>ketāb-i</i> book-INDEF	<i>benevisi</i> write
-------	---------------------	-----------------------	-------------------	------------------------------	--------------------------

۳۸ ج. برای خودم همسری انتخاب کردم.

۳۸ c)	<i>man</i> 1SG:NOM	<i>parvat</i> myself	<i>jan-i</i> woman-INDEF	<i>entexāb</i> choose	<i>kort-on</i> did-1sg.
-------	-----------------------	-------------------------	-----------------------------	--------------------------	----------------------------

در این بخش نشان دادیم که در بلوچی خاش، اسم‌های دارای نقش مفعولی نشانه حالت *-ā* می‌گیرند. از آنجاکه این نشانه مفعولی با تمام اسم‌های مفعولی همراه نیست، در بلوچی مفعول‌نمایی افتراقی وجود دارد و بنابر پیوستار جاننداری، حالت همه مفعول‌ها در بلوچی نشان داده می‌شود؛ اما طبق پیوستار معرفگی تنها ضمائر شخصی، اسم‌های خاص و اسم‌های معرفه نشانه حالت مفعولی می‌گیرند و سایر اسم‌ها یعنی اسم‌های نکره، بدون نشانه باقی می‌مانند و نقطه برشی در این پیوستار به وجود می‌آید که همان‌طور که جدول ۴ دیده می‌شود، اسم‌های بالای خط برش در پیوستار معرفگی در نقش مفعولی، نشانه حالت می‌گیرند و اسم‌های زیر این خط برش، بدون نشانه حالت‌نما باقی می‌مانند.

جدول ۴ مفعول‌نمایی افتراقی بر اساس پیوستار معرفگی در بلوچی

مفعول ضمیر شخصی مفعول اسم خاص مفعول معرفه
مفعول نکره مشخص مفعول نکره غیرمشخص

دیدگاه آیسن در مورد نشانه مفعولی منطبق بر گویش بلوچی خاش است و تنها مفعول‌های معرفه نشانه حالت می‌گیرند و اسم‌های نکره بدون نشانه حالت هستند.



۴. نتیجه‌گیری

پرسش مورد بحث در این مقاله این است که چه رابطه‌ای بین مفعول‌نمایی افتراقی از یکسو و جاننداری و معرفگی مفعول‌ها از سوی دیگر در سه زبان مورد بررسی در این تحقیق وجود دارد. با مقایسه مفعول‌نمایی افتراقی در سه زبان تاتی، تالشی و بلوچی مشخص می‌شود که پیوستار معرفگی در هر سه زبان نقش اصلی را در تعیین مفعول‌نمایی افتراقی ایفا می‌کند. در این سه زبان یکسان است و نقطه برش در پیوستار معرفگی بین اسم‌های معرفه و نکره قرار می‌گیرد و مفعول‌های بالای خط برش بین معرفه‌ها و نکره‌ها که شامل ضمائر شخصی، اسم‌های خاص و اسم‌های معرفه می‌شود، نشانه حالت می‌گیرند و اسم‌های در نقش مفعولی در زیر خط برش که شامل اسم‌های نکره مشخص و غیرمشخص است، نشانه حالت نمی‌گیرند. دیدگاه آیسن در مورد نشانه مفعولی، منطبق با هر سه زبان مورد بررسی در این تحقیق است و در این زبانها مفعول‌های معرفه نشانه مفعولی می‌گیرند و اسم‌های نکره بدون نشانه باقی می‌مانند.

۵. منابع

- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۵). «شیوه نشان‌دادن فاعل و مفعول در زبان فارسی». *مجله زبان‌شناسی*، س ۲۱، ش ۱ و ۲، صص ۸۵-۹۶.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم. (۱۳۸۶). *زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- کلباسی، ایران. (۱۳۸۴). «شباهت‌ها و تفاوت‌های گویش‌های تالشی، گیلکی و مازندرانی». *مجله زبان‌شناسی*، س ۲۰، ش ۱، صص ۵۷-۹۸.
- نغزگوی‌کهن، مهرداد. (۱۳۷۳). «بررسی گویش تالشی (دهستان طاسکوه ماسال)». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- Aissen, Judith. (2003). "Differential object marking: Iconicity vs. economy". *Natural Language and Linguistics Theory* 21. Pp. 435-438.
- Bossong, G. (1985). *Differentielle Objektmarkierung in den neuiranischen Sprachen*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.

- Comrie, Bernard. (1989). *Language universals and linguistic typology*. Chicago: University of Chicago Press.
- Jahani, Carina. (2003) "The Case System in Iranian Balochi in a Contact Linguistic Perspective", in *The Baloch and their Neighbours, Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*. Wiesbaden: Reeichert, Pp. 113-132.
- Korn, Agnes. (2008) "Marking of Arguments in Balochi Ergative and Mixed Constructions". in Karimi, S., Samiiian, V., Stilo, D.(eds): *Aspects of Iranian Linguistics*. Cambridge: Cambridge Scholars Publishing.
- Yar-Shater, Ehsan. (1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*. Paris: Mouton, The Hague.